

مصطفیٰ فاطمیه	۵۴
تعلیم دعا	۵۵
عطوفت مادری	۵۶
کمک به یاران حق	۵۷
تجلی ایثار در مهمانی	۵۸
تقسیم کار با خدمتکار	۵۹
مقام روحانی	۶۰
درخواست طعام از پدر	۶۱
سختی کار منزل	۶۲
بیت الاحزان فاطمیه	۶۳
گلوبند فاطمیه	۶۵
گریه فاطمیه	۶۶
همراز و همسنگر پدر	۶۷
گذشت از غنیمت	۶۸
بهترین یاور	۶۹
پرهیز از همه نامحرمان	۷۰
حجب و حیا	۷۱
زندگی نمونه	۷۲
تربیت فرزند	۷۳

در پی برخی شبهه افکنی‌ها:

اشاره‌ای به مظلومیت صدیقه کبری (علیها السلام) در منابع اهل سنت

اشاره‌ای به شبهه افکنی‌ها	۷۷
کلیات ماجرای آزار اهل بیت (علیهم السلام)	۷۸
اعتراف خلیفه اول مبنی بر آزار فاطمیه	۷۹
تهدید به آتش و حمله به خانه وحی، توسط خلیفه دوم	۷۹
شهادت محسن (علیه السلام)، فرزند حضرت فاطمیه	۸۲
غضبناک ساختن فاطمیه	۸۶
بدگویی ابوبکر نسبت به حضرت فاطمیه	۹۱
آزار اهل بیت به خاطر حفظ اسلام و مسلمین؛ و پاسخ «ابن ابی الحدید»	۹۱
فهرست منابع	۹۵

قال المهدي (عج):

«فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»

دختر رسول خدا که سلام و درود خداوند بر او و آلش باد،

برای من الگویی نمونه‌ای است.

«بخار الانوار ج ۵۳، ص ۱۸۰»

چگونگی الگوپذیری عملی از حضرت زهرا (علیها السلام) در عصر حاضر

لزوم الگوپذیری از معصومان

یکی از راه‌های رسیدن به قله‌های رفیع کمال، میل به تقلید و اسوه‌پذیری از کمال یافتگان است.

احساس الگوخواهی فطری از یک سو و مشاهده سیر تکاملی به کمال رسیدگان از دیگر سو، انسان را وامی‌دارد تا برای رسیدن سریع‌تر به کمال مطلوب، روش و سیره آن تکامل یافتگان را در پیش گیرد.

در قرآن کریم حضرت مریم (علیها السلام) به عنوان الگوی شایسته همه مؤمنان معرفی شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به عنوان مفسر و مبین آیات الهی، آن بانو را سرور زنان زمانه خویش دانسته و فاطمه (علیها السلام) را سرور همه زنان جهان از آغاز تا فرجام آفرینش معرفی می‌کند.^۱ آن حضرت در وصف دخترش فاطمه (علیها السلام) نیز فرمود: «تو قسمتی از وجود من، نور چشم من، میوه قلب من و روح میان دو پهلو من هستی. فرشته‌ای بر من نازل شد و به من بشارت داد که فاطمه (علیها السلام) سرور همه

۱- بخار الانوار ج ۴۳، ص ۲۴.

زنان اهل بهشت و نیز سرآمد همه بانوان اتم است.^۱ آری؛ مقام و منزلت زهرای مرضیه نه تنها بسی والاتر از مقام آسیه و مریم صدیقه است، که اوج فضیلت آسیه و مریم بدان است که توفیق خدمتگزاری آستان حضرت خدیجه کبری علیها السلام را هنگام وضع حمل فاطمه علیها السلام یافته‌اند. قرآن کریم بهترین اسوه و الگو را برای مردمان، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی نموده و برای کسانی که خواهان خیر دنیا و آخرت هستند، پیروی از آن را گوشزد می‌کند. و فاطمه علیها السلام استمرار آن اسوه حسنه است. و این است رمز و راز آنکه سیره فاطمه علیها السلام برای همه امامان، اسوه و حجت و الگوست. در روایت است که فرموده‌اند: ما امامان معصوم حجت خداوند بر مردمان هستیم و فاطمه علیها السلام حجت خداوند بر ماست.^۲

اسوه بودن فاطمه علیها السلام چنان در اوج یگانگی است که مولای عدل گستر ما، فاطمه علیها السلام را اسوه نیکوی زندگانی خود معرفی می‌کند. آنجا که می‌فرماید: «و فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة»^۳: همانا دختر رسول صلی الله علیه و آله و سلم برای من الگویی شایسته وجود دارد. آری فاطمه علیها السلام الگوی زندگانی من است، نه از آن جهت که مادر من است، بلکه بدین جهت که دختر رسول خداست و استمرار وجود او. پاره وجود پیامبر خداست و اسوه پذیری از وی، همان اسوه پذیری از رسول خداست.

عوامل تأثیرگذار بر شخصیت الگوها

عوامل اساسی تأثیرگذار بر شخصیت اسوه‌ها متعدد است. «وراثت»، «محیط درونی و خارجی»، دو عامل اصلی تشکیل دهنده شخصیت آدم و

۱ - همان ج ۲۱، ص ۲۷۹.

۲ - عوالم العولم ج ۱۱، ص ۵.

۳ - بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۷۸.

شکل‌گیری آن به شمار می‌روند. روان شناسان علاوه بر دو عامل فوق، به «سن» و «وجدان اخلاقی» نیز اشاره می‌کنند و آن را جزو عوامل تشکیل دهنده شخصیت می‌دانند.

«فطریات»، «عوامل غیبی» (که البته عمومیت ندارد) و «اختیار و اراده» نیز از دیگر عوامل تشکیل دهنده شخصیت به شمار می‌روند.

مهمترین عامل تأثیرگذار در شخصیت انسان، «اختیار» آدمی است. چراکه اگر چنین نباشد، شخصیت او به حالت جبری تشکیل شده است که در این صورت انسان نیز موجودی جبری، مانند جمادات و حیوانات خواهد بود. نه تکلیفی، نه مسئولیتی، نه پاداش و کیفری. در نتیجه، جبر وراثت، محیط، سن، گزینه و... که مجموعه‌ای از جبرهای فیزیکی، زیستی و روانی و تاریخی هستند، شخصیت انسان را تشکیل می‌دهند.

اما با اندک تأمل و توجهی در می‌یابیم که عنصر «اختیار» مهمترین اصل و عامل در شکل‌گیری و تغییر شخصیت است. همان نیروی اراده و اختیار آزاد است که با وجود دیگر عوامل، باز هم می‌تواند شخصیت انسان را بگونه‌ای دیگر تغییر یا تشکیل دهند.

در شکل‌گیری شخصیت یگانه اسوه‌ای چون فاطمه علیها السلام، همه عوامل تأثیرگذار شخصیت ایشان - از عامل وراثت گرفته تا عامل محیط و عوامل غیبی - دست به دست هم داده‌اند و پرورش دهنده چنان گل بی نظیری در بوستان وجود گردیده‌اند.

پدر فاطمه، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم شریف‌ترین آفریده الهی و مادر او خدیجه بنت خویلد از پاک‌ترین و نجیب‌ترین زنان روزگار و اجداد او جملگی از صالح‌ترین و پاک‌ترین انسان‌های روی زمین بوده‌اند. نطفه فاطمه علیها السلام در حالی منعقد می‌گردد که والدین او از رهگذر چهل شبانه روزی ارتباط خالصانه با خداوند، به اوج طهارت روحی دست یافته‌اند و خمیر مایه آن نطفه را با تغذیه از

پاک‌ترین و بهترین میوه‌های بهشتی تکوین بخشیده‌اند. لذا فاطمه عليها السلام «حوراء الانسیه» یعنی حوریه سیرتی به صورت انسان نامیده می‌شد و پیامبر صلی الله علیه و آله در محیط خانواده‌ای سراسر شور، عشق، نشاط، پاکی و صفا پرورش یافته و بعد از وفات مادر، نیکو خلق‌ترین مریبان، عهده دار تربیت و پرورش او گردیده است. شخصیت فاطمه عليها السلام در کنار پدری استوار گشته که کانون همه توجهات و تحولات در روزگار خویش بوده است. او همچنان نیمی از عمر خویش را در کنار همسری گذرانیده که پرورش یافته دامن رسول صلی الله علیه و آله است. بر مجموعه عوامل فوق، عواملی غیبی چون نزول فرشتگان، الهام‌های غیبی و.. را نیز باید افزود.

فاطمه عليها السلام در محیط خانواده‌ای سراسر شور، عشق، نشاط، پاکی و صفا پرورش یافته و بعد از وفات مادر، نیکو خلق‌ترین مریبان، عهده دار تربیت و پرورش او گردیده است. شخصیت فاطمه عليها السلام در کنار پدری استوار گشته که کانون همه توجهات و تحولات در روزگار خویش بوده است. او همچنان نیمی از عمر خویش را در کنار همسری گذرانیده که پرورش یافته دامن رسول صلی الله علیه و آله است. بر مجموعه عوامل فوق، عواملی غیبی چون نزول فرشتگان، الهام‌های غیبی و.. را نیز باید افزود.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا عوامل تأثیرگذار در شخصیت فاطمه عليها السلام، - از عامل وراثت گرفته تا عامل محیط و عوامل غیبی و... - خللی به اسوه پذیری آن بانو وارد نمی‌سازد؟ به دیگر سخن چگونه می‌توان بانویی را با آن شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد که موجب خلق شخصیت او شده است، را الگو و اسوه خود قرار داد و حالیکه از آن عوامل و شرایط، هیچکدام در اختیار ما نبوده و نیست؟

کم نیستند افرادی که بر عدم امکان الگو پذیری از ائمه معصومین عليهم السلام اصرار می‌ورزند و حتی قاطعانه و صراحتاً بر نفی الگو پذیری از حضرت فاطمه عليها السلام دم زده و بر ارائه الگوی متناسب با نیازهای روز تأکید می‌ورزند^۱.

در پاسخ باید گفت: عدم توجه به مهمترین و مؤثرترین عامل تشکیل دهنده

۱- عبدالکریم سروش در این خصوص معتقد است: به نظر من گفتار فاطمه که بهترین زنان کسانی‌اند که «لایرین احداً و لایراهن...» و رفتار او در پنهان شدن از مقابل فرد نابینا، نمی‌تواند الگوی رفتاری زنان ما باشد. (مجله زنان شماره ۵۹، دی ماه ۷۸).

شخصیت آدمی یعنی «اختیار و اراده»، موجب شده تا برخی بپندارند که معصومین بالاجبار نیک رفتار و نیک سیرت شده‌اند. علاوه بر اینکه در سایر موارد و عوامل تشکیل دهنده شخصیت مثل وراثت و محیط و... با دقت در انتخاب همسر، اهمیت دادن به تهذیب و طهارت روحی والدین قبل از انعقاد نطفه و بعد از آن و نیز ضرورت تغذیه مناسب از غذاهای حلال در دوران بارداری و شیردهی و... می‌توان به الگوی برتر نزدیک و نزدیک‌تر شد.

تقویت یا تضعیف و ایجاد زمینه برای گزینش و انتخاب آزادانه، کمترین اثر موارد فوق است که از اهمیت بالایی برخوردار است.

بی‌شک شخصیت فاطمه عليها السلام متأثر از وراثت، محیط داخلی (رحم مادر) و محیط‌های طبیعی، جغرافیایی، خانوادگی و ازدواج و... و نیز متأثر از الهام غیبی است، اما باید به حدود تأثیرگذاری این عوامل نیز توجه داشت. یعنی نهایت تأثیر آنها، سرعت بخشی به استعدادهای فطری آن بانو است.

در عرصه اسوه پذیری به مقامی که معصومان دست یافته‌اند نمی‌رسیم، اما چنین امری نباید موجب یأس و ناامیدی در اسوه‌پذیری از ایشان گردد. چراکه اصلی‌ترین مایه شکل‌گیری شخصیت آنان «اراده و اختیار» بوده است.

باید توجه داشت که ائمه معصومین عليهم السلام در عرصه و خصوصیات منحصر به فردشان همچون ارتباط روحی و علم الهی و.. اسوه و الگو نیستند، اما در هزاران هزار عرصه انسانی دیگر مانند غرائز و شهوات، هواهای نفسانی، عقل، بندگی، عبادت، روابط اجتماعی و سیاسی و نیز گفتار و کردار و... با همگان مشترکند و می‌توانند سرمشق و الگوی زندگی باشند.

تأسی به الگوی‌ها و مسأله گذر زمان

مهمترین ایراد و اشکالی که در زمینه الگو پذیری از ائمه معصومین به ذهن می‌رسد این است که رفتارها و اعمال این بزرگواران مربوط به دوران ۱۴۰۰ سال پیش بوده است و اکنون نمی‌توان آنگونه که آنان می‌زیسته‌اند، زندگی کرد.

در این زمینه نیز باید به تفکیک میان «قالب» و «محتوا»ی سیره‌ها توجه نمود. الگوپذیری از معصومان به دو گونه می‌تواند صورت پذیرد: مستقیم و غیر مستقیم.

«الگوپذیری مستقیم» آن است که گفتار و یا رفتار آن بزرگواران را عیناً تقلید کنیم و بدان عمل نماییم. مانند تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام. همان ذکری که به عنوان هدیه از پدر بزرگوارشان دریافت کرده بودند و در پی هر نماز واجب بدان اهتمام می‌ورزیدند و انجام می‌دادند.

«اسوه‌پذیری غیرمستقیم» آن است که روح و حقیقت گفتار و رفتار آنان را درک نماییم و با استفاده از سیره عملی و علمی آن بزرگواران، وظیفه خود را در عرصه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی و... دریابیم. عدم توجه به این قسم از الگوپذیری است که موجب می‌شود بسیاری از شکل‌ها و قالب‌های رفتاری اسوه‌های عصمت و طهارت، ویژه همان عصر و دوران تلقی گردد. و لذا اسوه‌پذیری در این زمینه بدین صورت نیست که همان قالب و شکل رفتاری خاص را تقلید کنیم؛ بلکه مقصود آن است که روح و محتوای آن سیره رفتاری را درک نماییم و آن را در شکل و قالب جدید با توجه به شرایط زمانی و مکانی به کار بندیم. مثلاً نقل است که حضرت فاطمه علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام در خانه‌ای محقر زندگی می‌کرده‌اند و روانداز آنها یک پوست گوسفند بوده است. چادر فاطمه علیها السلام از لیف خرما و با دوازده وصله مورد استفاده حضرت قرار می‌گیرد. طبیعی و بدیهی است که عین همان رفتارها به هیچ وجه در عصر حاضر قابل اجرا و تأسی نیست. اما آنچه اهمیت دارد روح و حقیقت این اعمال است که همانا بی‌اعتنایی به دنیا، پارسایی، زهد، قناعت، ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی است.

فاطمه علیها السلام در انتخاب بین دنیا و آخرت، سرای باقی را برگزیده و سیره زندگانی خویش را بر بی‌اعتنایی به زخارف دنیایی و قناعت به حداقل نیازهای

ضروری بنا ساخته بود. زندگانی او به دور از تشریفات و تجملات و در عین سادگی، لبریز از صفا، نشاط و زیبایی‌های معنوی بود. ساده‌زیستی فاطمه علیها السلام نه از روی فقر و ناداری، بلکه برخاسته از اوج معرفت و غنای روحی آن حضرت بود. بهترین شاهد این مدعا، آن دوران از زندگانی فاطمه علیها السلام است که فدک در اختیار ایشان بود. فدک، سرزمین حاصل‌خیزی بود که می‌توانست تمام گندم مورد نیاز مدینه را تامین کند. بعد از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله، به فرمان خداوند فدک را به دخترش بخشید، تمام در آمد آن در اختیار فاطمه علیها السلام قرار گرفت، اما این در آمد نتوانست صفا و سادگی ایشان را دگرگون سازد؛ چراکه فاطمه علیها السلام از دنیا رهیده، تمام حاصل فدک را فدای رضایت و خشنودی خداوند می‌کرد. باری، ساده‌زیستی فاطمه نه پیامد جبر و تحمیل روزگار، که رهاورد انتخابی عارفانه بود. او وارستگی از دنیا را از پدری آموخته بود که در مقام تهذیب و تزکیه به دخترش می‌فرمود: دخترم! پدر و شوهر تو فقیر نیستند. خداوند، گنجینه‌های طلا و نقره زمین را به من عرضه کرد، ولی من آنچه نزد پروردگارم باقی می‌ماند، برگزیدم. دخترم! اگر از آنچه که پدرت (از حقیقت دنیا) می‌داند آگاه شوی، دنیا از چشمت فرو می‌افتد.^۱

نکته مهم دیگر، توجه به عنصر زمان و مکان در تأسی به الگوهاست. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام وظیفه خود می‌داند که در شرایطی قیام کند و به کوچه و خیابان و مسجد بیاید و برای مردم سخنرانی کند و به دفاع از امام مظلوم پردازد. امام حسین علیه السلام وظیفه خود می‌بیند که با معاویه صلح کند و حسین بن علی علیه السلام اصل و ریشه دین را در خطر می‌بیند و لذا خود و خانواده و یاران خود را فدای آن می‌سازد. در شرایط و زمانی دیگر علی بن موسی الرضا علیه السلام ولایت عهدی مأمون ملعون را می‌پذیرد و به همین ترتیب در هر زمانی، رفتاری متناسب

۱- بحار الانوار ج ۴۳، ص ۱۳۳.

با آن شرایط از سوی معصومه علیها السلام صورت می‌گرفت.

پس باید همیشه در پی کشف روح و حقیقت آن رفتارها باشیم و نیز بکوشیم تا بدانیم در عصر و زمانه ما، اسوه‌پذیری از سیره اجتماعی کدام یک از امامان معصومین علیهم السلام مناسب‌تر است. اینجاست که لزوم وجود اسلام‌شناس واقعی و حقیقی احساس می‌شود. تشخیص این امور وابسته به تحلیل تاریخی دارد. در این عرصه پراهمیت بایستی به اسلام‌شناسان راستین رجوع و نوع اسوه‌پذیری را از ایشان بیاموزیم.

شرح و تحلیل حدیث: «خیر للنساء لایرین الرجال و لایراهن الرجال»^۱

از میان سخنان و رفتارهای حضرت فاطمه علیها السلام، حدیث فوق در عصر حاضر بسیار مورد شبهه و اشکال واقع می‌شود. به راستی چگونه ممکن است یک زن، نه مردی را ببیند و نه مردی او را؟ سؤال دیگر آنکه پس چرا خود آن حضرت به این حدث عمل نکرد و به کوچه، بازار و مسجد رفت و آمد داشت؟ باید گفت: استفاده حضرت فاطمه علیها السلام از کلمه «خیر» خودگویای این حقیقت است که سیره مذکور یک رجحان و مزیت دارد. به دیگر سخن، حضرت فاطمه علیها السلام در مقام بیان یک امر ایده‌آلی و ترجیحی است. امری که رعایت آن، بهتر و نیکوتر است و مادامی که ضرورت پیش نیامده است، عمل به آن بهتر و مطلوب است.

پیام و روح روایت فوق این است که در شرایط ایده‌آلی که حضور زنان در عرصه اجتماع و ارتباط ایشان با نامحرمان ضرورتی ندارد، مطلوب‌ترین سیره برای بانوان، حضور در منزل، تدبیر مسایل خانواده و پرهیز کامل از نامحرمان است.

اگر زن احتیاجی به فعالیت اقتصادی نداشته باشد و در عرصه تعلیم و تربیت

نیازی به استاد مرد یا شرکت در کلاس‌های مختلط نباشد، برای درمان بیماری‌های زنان، پزشک زن به قدر کفایت وجود داشته و رجوع به پزشک مرد هیچ ضرورتی نداشته باشد و...

بهترین سیره زندگی برای بانوان این خواهد بود که در منزل و محل سکونت و آرامش خود قرار بگیرند و به شئون خانوادگی (اعم از تدبیر منزل، تربیت فرزند، همسرمداری، کمک به خود کفایی خانواده و...) بپردازند و اگر هنری هم دارند، زمینه انجام و ظهور آن را در منزل فراهم آورند و اگر نیازی به تعلیم و تعلم دارند، آن را در ارتباط با دیگر خواهران دینی و در مراکز مخصوص خانم‌ها به سامان رسانند.

بنابراین حکم بیان شده در روایت، یک توصیه اخلاقی ترجیحی است، نه یک حکم قانونی تکلیفی.

فرموده حضرت زهرا علیها السلام بدین معناست که قرار گرفتن زن در منزل و دوری او از همه نامحرمان - اگر ممکن باشد و مرجحی در کار نباشد - باعث ایجاد و دوام آرامش لازم برای انجام وظایف زنانه و مادرانه او در عرصه خانواده و در نتیجه، بهترین زمینه ساز کمال معنوی زن در راستای قرب به خدا خواهد بود. و همین است حکمت بیان دیگر آن حضرت که فرمود: «نزدیک‌ترین حالت زن به خدا، آن زمانی است که در خانه خود می‌ماند و به تربیت فرزند و امور خانواده می‌رسد»^۱.

دلیل بر رجحانی بودن حدیث حضرت فاطمه علیها السلام، رفتار خود آن حضرت است. سیره رفتاری حضرت فاطمه علیها السلام نشان دهنده صحنه‌هایی از حضور فعال آن حضرت در عرصه اجتماع می‌باشد. برای نمونه ایشان هر هفته روزهای شنبه به سوی مزار شهدای احد می‌شتافت و برای حمزه و دیگر شهدای احد، طلب

۱ - بحار الانوار ج ۴۳، ص ۹۲ - مجمع الزوائد ج ۹، ص ۲۰۲ - مناقب ابن مغازلی، ص ۳۸۱.

۱ - بحار الانوار ج ۳۷، ص ۶۹ - وسائل الشیعة ج ۱۴، ص ۴۳.

آمرزش و علو درجات می نمود.^۱
آن حضرت پس از هجران پدرش، حمایت از امامت را وظیفه خود دانست و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرد و بارها و بارها در صحنه اجتماع ظاهر شد و خطبه‌های بی نظیری ایراد فرمود.

فاطمه‌ای که می‌فرماید برای زن بهتر است که نه او هیچ مردی را ببیند و نه هیچ مردی او را ببیند، آنگاه که مصالح جامعه و نظام اسلامی را در خطر می‌بیند، به سوی مسجد می‌شتابد و در حضور جمع کثیری از مردان مهاجر و انصار غاصبان حکومت را به محاکمه می‌کشد. چنین صحنه‌هایی، مؤید این حقیقت است که فرمودهٔ قبلی ایشان یک امر رجحانی است که در شرایط ایده‌آل مصداق می‌یابد. و این همان امری است که پیش‌تر نیز متذکر شدیم که توجه به عنصر زمان و مکان نقش مهمی در چگونگی تأسی به اسوه‌ها را دارد.

نمونه‌های دیگری که نشان‌دهندهٔ رفتار زنان و حضور آن سروران در میان اجتماع و نقش مهم آنان باشد، مؤید لزوم توجه به عنصر زمان و مکان در تأسی به الگوهاست.

حضرت خدیجهٔ کبری علیها السلام تاجر معتبری بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کارگزار مضاربهٔ ایشان بودند. صلی الله علیه و آله و سلم با سرمایه خدیجه و در صدر کاروان تجاری او به مسافرت و تجارت می‌پرداخت و آنگاه از سود تجارت، حق عمل خود را بر می‌داشت و باقیمانده سود و اصل سرمایه را به خدیجه باز می‌گرداند.

یکی دیگر از زنان عصر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم خانمی بنام زینب عطار بود. شغل زینب این بود که با جعبه‌ای از عطرهاى مختلف به منزل مشتریان می‌رفت. برای شخص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز عطر می‌آورد و برای خرید و فروش عطر به ضرورت شغلی خود، با نامحرمان گفتگو می‌کرد.

در زمان خود رسول صلی الله علیه و آله و سلم زنانی به مسجد می‌آمدند و در حضور دیگر مردان، مطالب و سؤالات خود را طرح می‌کردند و از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم راهنمایی و ارشاد می‌خواستند و حضرت پاسخشان را می‌دادند.

در جنگ‌های صدر اسلام بسیاری از کارها و امداد رسانی‌ها ویژه بانوان بود. خدمت‌هایی نظیر تهیه غذا و پوشاک و رساندن آن به جهادگران، پرستاری از زخمی‌ها، بستن زخم‌ها، جراحی و شکسته‌بندی و... حتی در بعضی از جنگ‌های دفاعی، معدود زنانی که قدرت جنگاوری و مهارت شمشیرزنی داشتند به یاری جبهه اسلام می‌شتافتند و به دفاع از اسلام و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پرداختند.

در خصوص رعایت عفاف زینب کبری علیها السلام از یحیی مازنی آورده‌اند: «مدت زیادی در مدینه در همسایگی خانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بودم. نزدیک خانه‌ای که زینب دختر آن حضرت در آن خانه سکونت داشت. به خدا قسم! نه شخص زینب را دیدم و نه صدای او را شنیدم. هرگاه می‌خواست برای زیارت قبر رسول صلی الله علیه و آله و سلم از خانه خارج شود، شبانه می‌رفت و حضرت امام حسن علیه السلام از طرف راستش و امام حسین علیه السلام از طرف چپ و حضرت امیر علیه السلام پیشاپیش او حرکت می‌کردند. وقتی نزدیک قبر شریف می‌رسیدند، امیرالمؤمنین علیه السلام جلوتر می‌رفتند و قندیل‌ها را خاموش می‌کردند. یکبار امام حسن علیه السلام دلیل این کار را سؤال کردند، حضرت امیر علیه السلام فرمود: می‌ترسم کسی به خواهرت زینب نگاه کند». ^۱ همین زینب علیها السلام، وقتی ضرورت و مصالح اسلام اقتضاء می‌کند، با حسین بن علی علیه السلام همراه می‌شود و بعد از شهادت حضرتش، در بین راه و در مجالس مختلف با سخنرانی‌های کوبندهٔ خود به رسوایی دشمنان می‌پردازد. همینطور ام کلثوم و حضرت سکینه علیهما السلام.

۱- فاطمة زهرا بهجة قلب المصطفی، ص ۴۲.

سیره فاطمه علیها السلام و دیگر زنان مورد تأیید پیغمبر صلی الله علیه و آله، گویای این واقعیت است که در صورت ضرورت، فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زنان هیچ منعی ندارد. کردار و گفتار فاطمه علیها السلام برای هر عصر و زمانی اسوه و الگوست، اما باید توجه داشت که کلام آن حضرت اشاره به امری رجحانی دارد.

از دیدگاه اسلامی اصل فعالیت‌های اجتماعی برای زنان، با رعایت شرایط اخلاقی نه تنها مذموم نیست، بلکه در برخی موقعیت‌ها ممدوح و مطلوب است. در اسلام آنچه در عرصه فعالیت‌های اجتماعی بانوان ممنوع شده، اصل حضور در اجتماع نیست؛ بلکه خودنمایی و بی‌مبالاتی در حفظ حجاب و عفاف است. خداوند متعال درباره هم صحبتی با مردان، خطاب به زنان می‌فرماید: «فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض»^۱. پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن مگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند. این آیه نمی‌فرماید که با مردان یا در محل حضور ایشان، هرگز سخن نگویید؛ بلکه به این روش اخلاقی اشاره دارد که هنگام صحبت با نامحرمان، عادی و ساده سخن بگویید و با نرمی و عشوه گری با آنان سخن نگویید.

خداوند در جایی دیگر خطاب به زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «و قرن فی بیوتکن و لاتبرجن تبرج الجاهلیة الاولى»^۲: در خانه هایتان قرار و آرام گیرید و بی‌حاجت و ضرورت از منزل بیرون نروید و مانند دوره جاهلیت، خودآرایی نکنید. قرآن نمی‌فرماید هیچ‌گاه در اجتماع و محل حضور نامحرمان شرکت نکنید؛ بلکه می‌فرماید اگر برای حضور شما در اجتماع وجه عقلایی وجود دارد، باید با رعایت حجاب و عفاف و به دور از خودآرایی و خودنمایی وارد جامعه

شوید.

همان خداوندی که طبق مصالح تکوینی عالم در وجود زنان زیبایی‌ها و جاذبه‌هایی ویژه قرار داده است، نیز ایشان را به رعایت ارزش‌های اخلاقی فرا می‌خواند؛ چراکه جایگاه ظهور این جاذبه‌ها و زیبایی‌ها، عرصه خانواده و روابط خصوصی همسران است، نه گستره اجتماع و روابط عمومی با نامحرمان.

هر یک از مرد و زن می‌باید برای جذابیت و شیرینی هر چه بیشتر زندگی مشترکشان، از زیبایی‌های خدادادی خویش بهره‌گیرد و حتی بر زینت‌های خویش بیفزاید. چنین استفاده‌ای از زیبایی‌ها و زینت‌ها نه تنها مذموم نیست، بلکه فضیلتی ممدوح است که ثواب عبادت‌ها را مضاعف می‌گرداند.

این اسلام است که با دستورهای حکمت آمیزش، دختران و زنان را در اوج عزت و شرافت و کرامت می‌خوهد و کانون خانواده‌ها را به بهشتی در اوج محبت و صمیمیت مبدل می‌سازد. رعایت دستورهای اخلاقی اسلام چنان موقعیت بهشت گونه‌ای برای زنان مسلمان فراهم می‌آورد که مورد حسرت و غبطه زنان سالم آمریکایی و اروپایی واقع می‌شود. آن دسته از بانوان جامعه‌های آمریکا و اروپا که مقداری به خود می‌آیند و مجالی می‌یابند تا خود را از آن منجلا بفساد بیرون آورند، وقتی عزت و کرامت بانوان ایرانی را می‌نگرند، غرق در شور و اشتیاق می‌شوند و به حال ایشان غبطه می‌خورند.^۱

فاطمه علیها السلام، الگوی یک زن جوان

مقام معظم رهبری در خصوص چگونگی الگوپذیری از حضرت فاطمه علیها السلام، به مقطعی از تاریخ زندگانی این بانوی مظلومه اشاره کرده و می‌فرماید:

«شما جوانی که در دوره پیشرفت علمی، صنعتی، تکنولوژی و دنیای متمدن

۱- احزاب/ ۳۲.

۲- همان، ۳۳.

۱- برگرفته از: جامی از زلال کوثر.

مادی زندگی می‌کنید، از الگوی خویش در هزار و چهار صد سال پیش، چه انتظاری دارید؟ توقع دارید که الگوی شما در کدام بخش، مشابه وضع کنونی شما را داشته باشد تا از آن بهره بگیرید؟ آیا می‌خواهید ببینید چگونه به دانشگاه می‌رفته است؟ یا در عرصه مسایل سیاست جهانی چگونه فکر می‌کرده است؟ اینها که نیست.

در شخصیت هر انسان، خصوصیات اصلی وجود دارد که می‌باید آنها را مشخص کنید و الگو را در آنها جستجو نمایید.

انسان به دوگونه می‌تواند با مسایل و حوادث پیرامون خویش برخورد نماید: یکی مسئولانه و دیگری بی‌اعتنا. مسئولانه هم انواع و اقسام دارد. با چه روحیه‌ای، با چه نگرشی به آینده. انسان باید این خطوط اصلی را در آن شخصی که فکر می‌کند الگوی او می‌تواند باشد، جستجو کند و از آنها پیروی نماید.

حضرت زهرا علیها السلام در سنین شش، هفت سالگی بودند که قضیه شعب ابی طالب پیش آمد. شعب ابی طالب دوران بسیار سختی در تاریخ صدر اسلام است. دعوت علنی صلی الله علیه و آله شروع شده بود و مردم مکه به خصوص جوانان و بردگان به آن حضرت می‌گرویدند. بزرگان طاغوت، مثل ابولهب، ابوجهل و دیگران دیدند که هیچ چاره‌ای ندارند جز اینکه صلی الله علیه و آله و همه مجموعه اطرافش را از مدینه اخراج کنند. همین کار را هم کردند. تعداد زیادی از مسلمانان که ده‌ها خانوار می‌شدند، به همراه صلی الله علیه و آله، خویشاوندان صلی الله علیه و آله و حضرت ابوطالب از مکه بیرون کردند. اینها از مکه بیرون رفتند. اما کجا بروند؟ جناب ابوطالب در نزدیکی مکه در شکاف کوه، ملکی داشت که اسمش شعب ابی طالب بود. شعب یعنی همین شکاف کوه. یک دره کوچک. گفتند به آنجا برویم. مسلمانان سه سال در شعب ابی طالب در وضعیتی غیر قابل تحمل، روزهای بسیار گرم و شب‌های بی‌نهایت سردی را گذراندند. چه قدر گرسنگی کشیدند، چه قدر سختی کشیدند، چه قدر محنت بردند، خدا می‌داند.

یکی از دوره‌های سخت صلی الله علیه و آله، آن جا بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در این دوران مسئولیتش فقط مسئولیت رهبری به معنای اداره یک جمعیت نبود، بلکه باید می‌توانست از کار خودش نزد اینهایی که دچار محنت شده‌اند، دفاع کند. می‌دانید وقتی که اوضاع خوب است و عده‌ای دور محور یک رهبری جمع شده‌اند، همه از اوضاع راضی‌اند و می‌گویند: خدا پدرش را بیامرزد، وضع ما را خوب کرد. اما وقتی سختی پیدا می‌شود، همه دچار تردید می‌شوند و می‌گویند: ایشان ما رابه این وضعیت دچار ساختند. ما که نمی‌خواستیم به این وضع دچار شویم!

البته ایمان‌های قوی می‌ایستند. - اما - بالاخره همه سختی‌ها به دوش صلی الله علیه و آله فشار می‌آورد. در همین اثنا وقتی که نهایت فشار روحی برای صلی الله علیه و آله بود، جناب ابوطالب که پشتیبان صلی الله علیه و آله و امید او بود و خدیجه کبری که او هم بزرگ‌ترین کمک روحی برای صلی الله علیه و آله بود، در ظرف یک هفته از دنیا رفتند. حادثه عجیبی است. یعنی صلی الله علیه و آله تنهای تنها شد.

در چنین شرایطی انسان واقعاً بی‌چاره می‌شود. در این شرایط نقش فاطمه زهرا علیها السلام را ببینید. فاطمه زهرا علیها السلام در آن شرایط خطیر و سهمگین مثل یک مادر، مثل یک مشاور، مثل یک پرستار برای صلی الله علیه و آله بوده است. آن جا بود که صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه علیها السلام «ام ایها»، - یعنی - مادر پدرش است. این مربوط به وقتی است که فاطمه علیها السلام یک دختر شش، هفت ساله بوده است. البته در محیط‌های عربی و گرم، دختران زودتر رشد جسمی و روحی می‌کنند. مثلاً رشد یک دختر شش، هفت ساله به اندازه رشد یک دختر ده، دوازده ساله حالای ما بوده است. این احساس مسئولیت است. آیا این نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد که نسبت به مسایل پیرامون خودش زود احساس مسئولیت کند، زود احساس نشاط کند؟ آن سرمایه عظیم نشاط را که در وجود او هست، خرج کند برای اینکه غبار کدورت و غم را از چهره پدری که حدود پنجاه سال از

سنش می‌گذشته است، پاک کند. آیا این نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد؟^۱
 «شما ببینید شوهرداری فاطمه زهرا علیها السلام چگونه بود. در طول ده سالی که
 پیغمبر صلی الله علیه و آله در مدینه بودند، حدود نه سالش حضرت زهرا و حضرت علی علیهما السلام با
 همدیگر زن و شوهر بودند. در این نه سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر
 کرده‌اند - حدود شصت جنگ اتفاق افتاده است - در اغلب آنها امیرالمؤمنین علیه السلام
 هم بوده است. حالا شما ببینید او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش
 مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ می‌ماند. این قدر جبهه
 وابسته به اوست. از لحاظ زندگی هم وضع رو به راهی ندارند. همان چیزهایی
 که شنیده‌ایم که «یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً انما یطعمکم
 لوجه الله»^۲. یعنی حقیقتاً زندگی فقیرانه محض داشتند. در حالی که دختر رهبر
 است. دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله است. یک نوع احساس مسئولیت هم می‌کند.

ببینید انسان چه روحیه قوی‌ای باید داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز
 کند. دل او را از وسوسه اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند، به او گرمی
 بدهد، بچه‌ها را به آن خوبی تربیت کند. حالا شما بگویید امام حسن و امام
 حسین علیهما السلام امام بودند و طینت امامت داشتند، اما - زینب کبری علیها السلام که امام نبود.
 فاطمه زهرا علیها السلام این گونه خانه‌داری، شوهرداری و کدبانویی کردند و این طور
 محور زندگی فامیل ماندگار در تاریخ قرار گرفتند. آیا اینها نمی‌تواند برای یک
 دختر جوان، یک خانم خانه دار الگو باشد؟ اینها خیلی مهم است»^۳.

والا ترین فضیلت حضرت زهرا علیها السلام

مناسب است در پایان این نوشتار و پس از ذکر برخی ویژگی‌ها و عظمت‌های

۱- مقام معظم رهبری به نقل از: دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان ج ۴، ص ۱۸ تا ۲۰.

۲- انسان / ۸: و به پاس دوستی خدا، بینوا و یتیم و اسیر را اطعام می‌کنند.

۳- همان، ص ۲۰ و ۲۱.

حضرت فاطمه علیها السلام و اثبات امکان الگو برداری از آن حضرت، فضیلت دیگری از
 ایشان را که نشان‌دهنده عظمت روحی و جسمی آن بزرگوار است، برای
 خوانندگان نقل کنیم. البته به دلیل حفظ شأن و مقام کلام، آن را بدون هیچ
 توضیحی، از گفتار ذریه او حضرت امام خمین رحمته الله علیه نقل می‌کنیم:

«راجع به حضرت صدیق علیه السلام خودم را از هر ذکری قاصر می‌دانم. فقط به یک
 روایت که در - کتاب - کافی شریف و با سند معتبر نقل شده است، اکتفا می‌کنم.
 حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «فاطمه علیها السلام بعد از پدرش ۷۵ روز در این دنیا
 بودند و حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت. جبرئیل امین می‌آمد و به ایشان
 تعزیت عرض می‌کرد و مسایلی را از آینده نقل می‌فرمود».

ظاهر روایت این است که در این ۷۵ روز، مرادها ی بوده است. یعنی رفت و
 آمد جبرئیل زیاد بوده است. گمان ندارم غیر از طبقه او از انبیای عظام، درباره
 کسی این طور وارد شده باشد که در ظرف ۷۵ روز جبرئیل امین چنین رفت و
 آمدی داشته باشد. جبرئیل مسایل واقع در آتیه و آنچه را که به ذریه فاطمه علیها السلام
 می‌رسیده است، ذکر می‌کرده و حضرت امیر علیه السلام هم آنها را می‌نوشته است.
 حضرت امیر علیه السلام همان طوری که کاتب وحی رسول صلی الله علیه و آله بوده است...،
 کاتب وحی حضرت صدیقه در این ۷۵ روز نیز بوده است.

مسأله فرود آمدن جبرئیل یک مسأله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل
 برای هر کسی امکان دارد بیاید. یک تناسب کامل بین روح آن کسی که جبرئیل بر
 او وارد می‌شود و مقام جبرئیل که روح اعظم است، لازم است. چه ما همچون
 اهل نظر قایل شویم که قضیه تنزل جبرئیل به واسطه روح خود ولی یا پیغمبر
 است که روح ولی، جبرئیل را تنزل می‌دهد و تا مرتبه پایین وارد می‌کند یا
 همچون بعض اهل ظاهر، بگوییم حق تعالی او را مأمور می‌کند که برو این مسایل
 را بگو. - در هر صورت - تا تناسبی بین روح کسی که جبرئیل به نزد او می‌آید و
 بین جبرئیل که روح اعظم است و انبیای درجه اول بوده است. مثل رسول

صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، موسی، عیسی، ابراهیم صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امثال اینها. این تناسب برای همه کس نبوده است و بعد از این هم برای کس دیگری واقع نشده است. حتی درباره ائمه هم من ندیده‌ام که چنین امری وارد شده باشد. طبق آن چیزی که من دیده‌ام فقط برای حضرت زهرا صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شده است که جبرئیل به طور مکرر در طول ۷۵ روز وارد می‌شده و مسایل آتیه را که بر ذریه او می‌گذشته است، می‌گفته و حضرت امیر صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم ثبت می‌کرده است. شاید یکی از مسایلی که گفته است، راجع به مسایلی بوده است که در عهد ذریه بلند پایه او حضرت صاحب(عج) واقع می‌شود که مسایل ایران هم جزو آن مسایل باشد. اما نمی‌دانیم، ممکن است. در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضایل عظیمی که برای حضرت زهرا صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند، بالاتر می‌دانم. فضیلتی که برای غیر انبیا صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن هم نه همه انبیاء، بلکه برای طبقه بالای انبیاء و بعضی از اولیایی که در رتبه آنها می‌باشند، برای کس دیگری حاصل نشده است و با این کیفیت که جبرئیل در طول هفتاد و چند روز مراد داشته باشد، برای هیچ کس تاکنون واقع نشده است. این فضیلت از مختصات حضرت صدیقه است»^۱.

سخنانی از فاطمه صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

- پدرم فرمود: شروترین افراد امت من، اشخاصی هستند که شب را غرق در نعمت‌های الهی به صبح می‌آورند، انواع خوراکی‌ها را می‌خورند، لباس‌های رنگارنگ می‌پوشند اما سخنان پوچ و بی‌مایه و حرف‌های ریاکارانه و لفاظی‌های مذموم و فریبنده به زبان جاری می‌کنند.^۲

- پیوسته روش رسول صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بود که هرگاه داخل مسجد می‌شد،

می‌فرمود: خدایا! گناهان مرا بیامرز و درهای بهشت را به رویم باز گشای و آنگاه که از مسجد بیرون می‌آمد می‌گفت: پروردگارا! گناهانم را بیامرز و درهای فضل و رحمت خویش را به رویم بازگردان.^۱

- هر کس خالصانه‌ترین عبادت خویش را به پیشگاه پروردگار عالم روانه گرداند، خداوند متعال هم برترین خیر و صلاح خویش را برای او فرو می‌فرستد.^۲

- رسول صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: داستان علی صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مانند کعبه است که مردم باید به سراغ آن بروند، نه اینکه کعبه به دنبال مردم حرکت کند!^۳

- مردی همسرش را به نزد حضرت فاطمه صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاد تا از ایشان سؤال کند که آیا او از پیروان و شیعیان آن حضرت محسوب می‌شود یا نه؟ حضرت فاطمه صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «به شوهرت بگو اگر به آنچه خواسته و هدف ماست عمل می‌کنی و از آنچه ما نهی می‌کنیم بی‌زاری می‌جویی، بدان که از شیعیان ما خواهی بود؛ در غیر این صورت نه.» زن جواب را به اطلاع شوی خود رسانید. ۲۵
مرد از این پیام بسیار ناراحت و متوجه شد که مسئولیت شیعه بودن بسیار حساس و سنگین است و با خود گفت پس من اهل جهنم هستم و همیشه در آن خواهم ماند. آن زن واکنش شوهرش را به اطلاع فاطمه صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسانید. حضرت فرمود: «به او بگو آن طور که فکر می‌کنی نیست، زیرا پیروان و شیعیان واقعی ما بهترین اهل بهشت هستند، ولی هر کس ما و دوستان ما را دوست داشته و با دشمنان ما دشمن باشد و قلب و زبانش نیز با ما همراه باشد ولی امر ما را اطاعت نکند و از آنچه نهی نموده‌ایم پرهیز نکند، جزو شیعیان واقعی و رهروان ما

۱- فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص ۲۶۹.

۲- بحار الانوار ج ۶۷، ص ۲۵۰.

۳- فضائل خمسة ج ۱، ص ۱۷۶ - اسد الغابه ج ۴، ص ۳۱.

۱- صحیفة نور ج ۱۹، ص ۲۷۸.

۲- محجة البیضاء ج ۵، ص ۲۱۶.

محسوب نمی‌شود. با این وجود شیعیان ما در بهشتند، لیکن پس از آنکه گناهان و آلودگی‌های آنان به واسطه رحمت خداوند و رنج فراوان در دنیا و قیامت پاک شود، پس به وسیله محبتی که به ما دارند در بهشت به حضور ما می‌رسند.^۱

- بهترین روش برای زنان این خواهد بود که طوری زندگی کنند تا مردهای اجنبی آنها را نبینند و آنها هم مردهای نامحرم را نبینند و با آنان سر و کاری نداشته باشند.^۲

- پاداش خوش‌رویی در برابر مؤمن، بهشت است و خوش‌رویی با دشمن انسان‌های ستیزه‌جو، انسان را از عذاب آتش باز می‌دارد.^۳

- ما و اهل‌بیت رسول صلی الله علیه و آله، وسیله ارتباط خدا با مخلوقاتیم. ما برگزیدگان خدا و جایگاه پاکی‌ها و دلیل‌های روشن خدا و وارث پیامبران الهی هستیم.^۴

- خدا اطاعت و پیروی از اهل بیت علیهم السلام را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی، و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است.^۵

- در سر سفره غذا، ۱۲ دستورالعمل ارزشمند وجود دارد که سزاوار است هر مسلمانی آنها را بشناسد. چهار مورد آن واجب و چهار مورد مستحب و چهار مورد دیگر نشانه ادب و بزرگواری است. چهار دستورالعمل واجب عبارتند از:

۱- فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص ۲۹۸- دلایل الامامه ص ۱.

۲- حيلة الاولیاء ج ۲، ص ۴۰- وسائل الشیعة ج ۱۴، ص ۱۷۲- محجة البیضاء ج ۴، ص ۲۱۰.

۳- بحار الانوار ج ۷۲، ص ۴۰۱- عوالم ج ۱، ص ۶۲۸- المستدرک ج ۲، ص ۳۷۵.

۴- شرح نهج البلاغه ج ۱۶، ص ۲۱۱.

۵- احتجاج ج ۱، ص ۱۴۷- دلایل الامامه ص ۴۰- من لایحضره الفقیه ج ۳، ص ۵۶۷- مستدرک

الوسائل ج ۳، ص ۱۵۴- مسند احمد بن حنبل ج ۱، ص ۶۰- شرح ابن ابی‌الحدیج ج ۱۶، ص ۲۳۴.

- شناخت و معرفت پروردگار و بدانیم که نعمت‌ها از اوست. - راضی به نعمت‌های خدا بودن. - گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در آغاز غذا. - شکر و سپاسگزاری خدا در آغاز و پایان غذا. چهار دستورالعمل مستحب عبارتند از:

- وضو گرفتن قبل از غذا - نشستن به جانب چپ. - در حال نشسته غذا خوردن. - غذا خوردن با سه انگشت. و اما چهار دستورالعملی که نشانه ادب و بزرگواری است: - از آنچه در پیش روی شماست بخورید. - لقمه‌های کوچک بردارید. - غذا را خوب بجوید و با شدت نرم کنید. - کمتر در صورت دیگران هنگام غذا خوردن بنگرید.^۱

- سوگند به خدا که حزن و اندوه من فزونی گرفته است و تهیدستی من فراوان است و تأسف من طولانی که برای سفر طولانی آخرت چه آماده کرده‌ایم؟^۲

- من بسیار زشت می‌دانم که جنازه زنان را پس از مرگ بر روی تابوت سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند که حجم بدن را برای بینندگان نمایش می‌دهد.^۳

- پروردگارا! به حق پیامبرانی که آنها را برگزیدی و به گریه‌های حسن و حسین در فراق من، از تو می‌خواهم گناهکاران از شیعیان من و شیعیان فرزندان مرا ببخشائی.^۴

۱- عوالم ج ۱، ص ۶۲۹- نفائس اللباب ج ۳، ص ۱۲۴.

۲- بحار الانوار ج ۳۸، ص ۱۹- احقاق الحق ج ۴، ص ۱۵۰- مسند احمد بن حنبل ج ۵، ص ۲۶-

کشف الغمه ص ۴۳- فضائل خمسه ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- کشف الغمه ج ۲، ص ۶۷- السنن الکبری ج ۴، ص ۳۴- بحار الانوار ج ۲، ص ۶۷- وسائل الشیعة

ج ۲، ص ۸۷۶- کنز العمال ج ۱۶، ص ۲۸۹.

۴- ذخائر العقبی، ص ۵۳- کوكب الدری ج ۱، ص ۲۵۴.

- من دنیای دنیا پرستان را دوست ندارم.^۱
 - اگر روزه، زبان و گوش و چشم و دست و پای روزه دار را از ارتکاب اعمال ناپسند دور نکند، روزه را می‌خواهد چه کند؟^۲
 - بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر است و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده‌اند.^۳
 - آن‌گاه که در روز قیامت برانگیخته شوم، از گنهکاران امت پیامبر اسلام ﷺ شفاعت خواهم کرد.^۴
 - از دنیای شما سه چیز محبوب من است: ۱- تلاوت قرآن. ۲- نگاه به چهره رسول خدا ﷺ. ۳- انفاق در راه خدا.^۵
 - بدرستی که خداوند هر کس را که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.^۶
 - در خدمت مادر باش، زیرا بهشت زیر پای مادران است.^۷
 - خداوند «ایمان» را واجب فرمود و به وسیله آن زنگ شرک را از دل‌هایتان زدود و با «نماز» خودپرستی را از شما دور نمود. «روزه» را نشان دهنده دوستی خالصانه ساخت و «زکات» را مایه افزایش روزی و «حج» را آزمایشگر درجه دین و «عدالت» را نمودار مرتبه یقین و «پیروی ما» را مایه وفاق و «امامت ما» را مانع افتراق و «دوستی ما» را عزت مسلمانی و «بازداشتن هوای نفس» را موجب

نجات و «قصاص» را سبب بقاء زندگانی. «وفاء به نذر» را موجب آمرزش و «تمام پرداختن پیمان» را مانع از کم‌فروشی و کاهش نمود. و فرمود «می‌خواه‌ای که خوارگی نکنند تا تن و جان را از پلیدی پاک سازند و زنان پارسا را «تهمت» نزنند تا خویش را سزاوار لعنت نسازند. «دزدی» را منع کرد تا راه عفت پویند و «شرک» را حرام فرمود تا با اخلاص، طریق یکتا پرستی جویند. پس چنانکه باید ترس از خدا را پیش‌گیرید و جز مسلمانی نمی‌رید. آنچه فرموده است به جا آورید و خود را از آنچه نهی کرده باز دارید که تنها دانایان از خدا می‌ترسند.^۱

* * *

۱- الغدير ج ۲، ص ۳۱۸.

۲- مستدرک الوسائل ج ۷۷ ص ۳۶۶ - دلائل الامامة، ص ۷ - عوالم ج ۱۱، ص ۶۲۵.

۳- نهج الحياة، ص ۱۵۷ - فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، ص ۲۷۳.

۴- احقاق الحق ج ۱۹، ص ۱۲۹ - عوالم ج ۱۱، ص ۳۵۴.

۵- وقایع الایام، ص ۲۹۵.

۶- بحار الانوار ج ۴۳، ص ۲۷ - عوالم ج ۱۱، ص ۱۶۴ - ریاحین الشریعة ۱ ص ۱۲۵.

۷- کنز العمال ج ۱۶، ص ۴۲۶.

۱- احتجاج ج ۱، ص ۱۴۷ - دلائل الامامة ص ۴۰ - من لایحضره الفقیه ج ۳، ص ۵۶۷ - مستدرک

الوسائل ج ۳، ص ۱۵۴ - مسند احمد بن حنبل ج ۱، ص ۶۰ - شرح ابن ابی الحدید ج ۱۶، ص ۲۳۴.

۴۰ داستان

از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

* «در چیزی که برای خدا داده‌ام، تصرف نمی‌کنم» *

روزی سلمان فارسی برای اجرای فرمان رسول ﷺ در تهیه غذا برای یک اعرابی تازه مسلمان شده، به درب خانه حضرت فاطمه علیها السلام رفت. پس از درخواست سلمان، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «سوگند بخدا که حسن و حسین از شدت گرسنگی مضطربند و با شکم گرسنه خوابیده‌اند و لکن خیری را رد نمی‌کنم، بخصوص اینکه به خانه من آمده باشد».

سپس فرمودند: «ای سلمان! اینک این پیراهن مرا به نزد شمعون یهودی ببر و یک صاع خرما و یک صاع جو بگیر و بیاور».

سلمان با پیراهن به نزد شمعون رفت و ماجرا را گفت. شمعون اشک از چشمانش جاری شد و گفت: این است زهد در دنیا و این است آنچه که موسی علیه السلام در تورات خبر داده بود. پس من هم می‌گویم: اشهد ان لا اله الا الله و انّ محمداً رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. سپس به سلمان صاعی از خرما و جو داد و سلمان آنها را به نزد فاطمه علیها السلام آورد. آن حضرت با دست خود آرد کرد و نان پخت و به سلمان داد. سلمان عرض کرد: ای دختر پیامبر! مقداری هم برای حسن و حسین علیهم السلام بردار. حضرت فاطمه علیها السلام در پاسخ فرمود: «چیزی را که برای خدا داده‌ام، در آن تصرف نمی‌کنم».^۱

۱- ریاحین الشریعة ج ۱، ص ۱۳۰ تا ۱۳۴ - به نقل از زندگانی صدیقه کبری حضرت فاطمه علیها السلام،

* ماجرای سوره «هل اتی» *

روزی حسن و حسین علیهما السلام بیمار شده بودند. رسول صلی الله علیه و آله همراه با تنی چند از آنان عیادت کردند و به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای ابوالحسن! خوب است برای تندرستی فرزندان، نذر کنی. علی و فاطمه علیهما السلام و فضه خادمه آنان نذر کردند که اگر آن دو شفا یابند، سه روز روزه بگیرند.

پس از مدتی، آن دو شفا یافتند. و چون خانواده حضرت امیر علیه السلام چیزی نداشتند، حضرت از شمعون یهودی خیبری سه صاع جو قرض گرفت. فاطمه علیها السلام یک صاع را آسیاب کرد و به تعدادشان، پنج قرص نان پخت. نان‌ها را در میان سفره گذاشتند که افطار کنند. سائلی آمد و گفت: ای اهل بیت محمد! سلام بر شما. مسکینی از مساکین مسلمان هستم. به من خوراکی دهید که خداوند به شما از مانده‌های بهشتی دهد. حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیهما السلام او را بر خود مقدم داشتند و نان‌ها را به او بخشیدند. و فقط با آب روزه خود را افطار کردند. فردای آن روز را نیز با همان وضع روزه گرفتند. چون شب شد و غذا را به میان سفره آوردند، یتیمی آمد. آن غذا را به او بخشیدند و خود با آب افطار کردند و روز سوم نیز به همان صورت تکرار شد و هنگام افطار اسیری آمد و مانند روزهای گذشته غذا را به او دادند. چون صبح شد، علی علیه السلام دست حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و به نزد پیدائیس علیها السلام رفت. پیدائیس علیها السلام ایشان را دید که از شدت گرسنگی می‌لرزند؛ برخاست و همراه آنان به منزلشان رفت. فاطمه علیها السلام را دید که در محراب عبادت است و چشم‌هایش گود رفته. از دیدن او اندوهگین شد. آنگاه جبرئیل نازل شد و گفت خداوند تو را به چنین اهل بیتی تهنیت می‌گوید و این آیه را قرائت کرد: «و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً»^۱.

ص ۶۷ و ۶۸.

۱- الانسان / ۸: و به پاس دوستی خدا، بینوا و یتیم و اسیر را اطعام می‌کنند.

* سختی دنیا برای شیرینی آخرت *

روزی رسول صلی الله علیه و آله وارد خانه فاطمه علیها السلام شد و او را در حالی دید که لباسی خشن برتن دارد، با دست خود آسیاب می‌گرداند و در همان حال فرزند ۳۵ خود را شیر می‌دهد. رسول صلی الله علیه و آله اشک از دیدگانش جاری شد و به فاطمه علیها السلام فرمود: ای دختر گرامی، تلخی‌های دنیا را تحمل کن تا به حلاوت آخرت برسی. فاطمه علیها السلام گفت: «یا رسول صلی الله علیه و آله، خدا را ستایش می‌کنم بر نعمت‌هایش و شکر می‌کنم بر کرامت‌هایش». در این هنگام حق تعالی این آیه را نازل فرمود: «ولسوف یعطیک ربک فترضی»^۳ حق تعالی در قیامت آن قدر به تو خواهد داد تا راضی شوی.^۴

۲- زندگانی صدیقه کبری حضرت فاطمه علیها السلام، ص ۲۸ تا ۳۱ - زمخشری در تفسیر کشاف ذیل

آیه ۸ سوره «انسان».

۳- ضحی / ۵.

۴- بحار الانوار ج ۴۳، ص ۸۵ - مناقب ابن شهر آشوب ج ۳، ص ۳۴۲.

* درک شب قدر *

حضرت زهرا علیها السلام در شب ۲۳ ماه مبارک رمضان، با بچه‌ها طوری رفتار می‌کرد تا بتوانند برای شب‌های قدر خود را آماده کنند. باری شب‌های قدر به آنان غذای سبک می‌داد تا بتوانند بیدار بمانند. در روز بچه‌ها را می‌خوابانید تا کاملاً استراحت کنند و بدین گونه از نظر جسمی و روحی زمینه و موقعیت بهتری برای شب زنده‌داری مهیه می‌فرمود. ان حضرت به قدر در این امر جدی بود که نمی‌گذاشت احدی از اهل خانه خوابش بیبرد و می‌فرمود: «محروم کسی است که از برکات شب قدر محروم بماند».^۱

۱- نماز و عبادت فاطمه علیها السلام ، ص ۴۶.

* انس با قرآن *

انس فاطمه علیها السلام با قرآن، زبانزد خاص و عام است. سلمان فارسی می‌گوید: رسول صلی الله علیه و آله مرا برای کاری به خانه فاطمه علیها السلام فرستاد. داخل خانه حضرت زهرا علیها السلام شدم، دیدم در همان حالی که مشغول کار خود بود و جوها را آسیاب می‌کرد، قرآن نیز می‌خواند.^۱

۱- بحار الانوار ج ۹۳، ص ۴۰.

* حق همسایه *

بسیار می‌شد که مناجات‌ها و گریه‌های شبانه مادر، بچه‌ها را از خواب بیدار می‌کرد. امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: در یک شب جمعه دیدم مادر در محراب عبادت ایستاده و تا طلوع صبح در رکوع و سجود بود و همه را دعا می‌کرد. گفتم: مادر! چرا برای خود چیزی نخواستی؟ مادر گفت: «پسر جان! اول همسایه، بعد خودت».^۱

۱- علل الشرایع ج ۱، ص ۱۷۳ - کشف الغمّه ج ۲، ص ۹۴ - بحار الانوار ج ۴۳، ص ۸۱ - دلائل الامامة،

* شوق بندگی *

عبادت حضرت زهرا (علیها السلام) یک عبادت نمونه است. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در این زمینه می‌فرمایند: حسن بصری که یکی از عباد و زهاد دنیای اسلام است، درباره فاطمه زهرا (علیها السلام) می‌گوید: به قدری دختر پیر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عبادت کرد و در محراب عبادت ایستاد که «تَوَزَمَتْ قَدَمَاهَا»^۱ پاهای آن بزرگوار از ایستادن در محراب عبادت ورم کرد.^۲ در روایتی آمده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) در حال نماز، از شدت ترس، نفسش به شماره می‌افتاد.^۳

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در خصوص عبادت آن حضرت می‌فرمود: آنقدر به عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد.^۴

ص ۵۶ - رباعین الشریعة ج ۳، ص ۷۳ - مستدرک الوسائل ج ۵، ص ۲۴۴ - وسائل الشیعة ج ۴، ص ۱۱۵.

۱- مناقب آل ابی طالب ج ۳، ص ۳۴۱.

۲- سخنرانی مقام معظم رهبری، ۷۱/۹/۲۵. به نقل از: نماز و عبادت فاطمه زهرا (علیها السلام)، ص ۳۸.

۳- بحار الانوار ج ۸۵، ص ۲۵۸.

۴- همان ج ۴۳، ص ۶۱.

* «باز هم بپرس» *

زنی به خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسید و عرض کرد: مادر پیر و ناتوانی دارم که در نماز بسیار اشتباه می‌کند. مرا فرستاده تا از شما بپرسم که چگونه نماز بخواند. آن حضرت فرمود: «هر چه می‌خواهی بپرس».

آن زن سؤالات خود را مطرح کرد تا به ده سؤال رسید و حضرت زهرا علیها السلام با روی گشاده جواب می‌داد. آن زن از زیادی پرسش‌ها شرم‌منده شد و گفت: شما را بیش از این زحمت نمی‌دهم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «باز هم بپرس». سپس آن حضرت برای تقویت روحیه آن زن چنین فرمود: «اگر به کسی کاری را واگذار کنند مثلاً از او بخواهند که بار سنگینی را به ارتفاع بلندی حمل کند و در برابر این کار صد هزار دینار به او جایزه بدهند، آیا او با توجه به آن پاداش، احساس خستگی می‌کند؟» زن جواب داد: نه. حضرت فرمود: «من در مقابل هر پرسشی که جواب می‌گویم، از خدا پاداشی به مراتب بیشتر دریافت می‌کنم و هرگز ملول و خسته نمی‌شوم. از رسول صلی الله علیه و آله شنیدم که روز قیامت دانشمندان اسلام در برابر خدا حاضر می‌شوند و به اندازه علم و تلاش و کوششی که در راه آموزش و هدایت مردم داشته‌اند، از خدای خود پاداش می‌گیرند».^۱

۴۰

* انسان کامل *

حضرت فاطمه علیها السلام در خانه علی بن ابی‌طالب بچه داری می‌کند، از چاه آب می‌کشد، گندم و جو آسیاب می‌کند، غذا درست می‌کند و کارهای دیگری را که به تنهایی انجام می‌دهد. با اینحال عبادت و شب زنده داری در محراب مخصوص خودش و راز و نیاز و دعا برای مؤمنین و پیروزی اسلام و سرفرازی مسلمین را هم فراموش نمی‌کند.

سرور زنان عالم با آنکه در منزل خسته و رنجور می‌شد، ولی وقتی که علی بن ابی‌طالب به خانه می‌آید آنچنان چهره بشاش و شادابی دارد که وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام چشم مبارکش به جمال زهرا علیها السلام می‌افتد، همه خستگی و ناملایمات و رنج‌های او برطرف می‌شود. گویی علی بن ابی‌طالب هیچ ناراحتی نداشته است.^۱

۱- فاطمه علیها السلام در کلام اهل سنت، ص ۳۴۷.

۱- محجة البیضاء ج ۱، ص ۳۰ - بحار الانوار ج ۲، ص ۳.

* خضوع و خشوع *

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برای عبادت و راز و نیاز با خداوند، محل مخصوصی داشتند. لباسی مخصوص، سجاده‌ای مخصوص و آداب و سبکی مخصوص. خانه‌اش را معبد ساخته بود و در آن چنان به عبادت می‌پرداخت که فرشتگان خدا به نظاره می‌ایستادند.

خضوع و تواضع جسمانی آن حضرت چنان بود که گویی ایمان در مغز و استخوان او نفوذ کرده بود. خشوعش نیز به گونه‌ای بود که گوئی ترس از خدا در رگ‌ها و خون او جاری شد. آن حضرت عبادت‌هایش را با چنین خضوع و خشوعی انجام می‌داد.^۱

۱- در مکتب فاطمه علیها السلام، ص ۱۷۰.

* استعمال عطر *

حضرت زهرا علیها السلام به مستحبات نماز خیلی اهمیت می‌دادند. در روایتی از آن حضرت نقل شده که در لحظات آخر عمر مبارکش خطاب به اسماء فرمود: «ای اسماء! عطر مرا، همان عطری که همیشه می‌زنم و پیراهنی را که همیشه در آن نماز می‌گزارم بیاور و بر بالینم بنشین. هرگاه وقت نماز شد مرا از خواب بیدار کن. اگر بیدار شدم که نماز می‌گزارم و اگر بیدار نشدم، کسی را به دنبال علی علیه السلام بفرست تا بیاید».^۱

۱- کشف‌الغمه ج ۲، ص ۶۲.

* گردنبند *

دختر پیمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از نظر لباس، مسکن، لوازم زندگی و زیور آلات زنانه با کمترین می‌سازد. فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام بر خلاف زنان دیگر، لذت را در ترک لذت دنیوی می‌بیند.

تنها زینت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام گلوبند طلایی بود که علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام آن را از سهمیه‌ای که از بیت المال به او تعلق گرفته بود، برای همسرش خریده بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی آن را بر سینه دخترش دید، فرمود: «گفتار مردم تو را فریب ندهد که می‌گویند دختر محمد است، در صورتی که تو زینت شاهانه پوشیده‌ای». فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام فوراً آن را باز کرد و از بهای آن بنده‌ای را خریداری و سپس در راه خدا آزاد کرد.^۱

۱- بحار الانوار ج ۴۳، ص ۲۷ - ذخائر العقبی، ص ۵۱.

* رضایت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام *

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام نه تنها در آن شرایط سخت و پر هیجان زندگی، هیچگاه علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام را ناراحت و خشمناک ننمود، بلکه همانطور که خود علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید، فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام آنچنان کار خانه را به نحو مطلوب انجام می‌داد و با شوهرش برخورد می‌کرد که علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام هر گاه با فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام مواجه می‌شد، تمام غم‌ها و غصه‌هایش برطرف شده و قلبش تسکین می‌یافت.

امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام موضوع را اینگونه بیان می‌فرماید: «هیچ گاه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام از من نرنجید و او نیز هرگز مرا نرنجاند. او را به هیچ کاری مجبور نکردم و او نیز مرا آزرده نساخت. در هیچ امری قدمی بر خلاف میل باطنی من برنداشت و هرگاه که به رخسارش نظاره می‌کردم، تمام غصه‌هایم برطرف می‌شد و دردهایم را فراموش می‌کردم».^۱ ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «به خدا قسم هرگز کاری نکردم که فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام خشمگین شود؛ او نیز هیچ گاه مرا خشمگین نکرد».^۲

۱- بحار الانوار ج ۴۳، ص ۱۲۳ - کشف الغمه ج ۱، ص ۳۶۳ - مناقب خوارزمی، ص ۲۵۶.

۲- کشف الغمه ج ۱، ص ۳۶۳.